

قانون مجازات عمومی

۴ - عفو عمومی

عبارت از آنستکه جامعه بوسیله قانون مخصوص عمل یکدیگر را که بموجب مواد قانون مجازات جرم تشخیص میشود اضماع و از تعقیب و مجازات آنها صرف نظر نماید .

بنا بر این تعریف ، عفو عمومی دارای صفات مخصوصه است که آنرا از عفو مقام اول کشور بکلی جدا میسازد بدین شرح که :

۱ - عفو عمومی واقع نمی شود مگر بموجب قانون مخصوص .

۲ - عفو مزبور همیشه شامل جماعتی ازمردم است بدین معنی که جرم مخصوص یا شخص معینی را در نظر ندارد بلکه اگر قانون نگذار از وضع قانون عفو منظور خاص داشته و بخواهد اشخاص محدود و معینی را مشمول آن گرداند باز هم قانون مزبور را بطور مطلق و اعم تنظیم مینماید خصوصیات و شرایط اشتهار را بطوری انشاء میکند که فقط افراد مورد نظر از آن بهره مند گردند و انواع مخصوص از جرائم را شامل گردد . مثل آنکه در قانون نوع جرم زمان و مکان وقوع و منشاء وجود و حال بحر که جزء شرایط لازمه برای بهره مندی از عفو قرار داده شود باین طریق هم جنبه کلی و اعم بودن قانون - فقط شده و هم منظور معنوی قانونگذار به عمل آمده است .

این نکته نیز قابل تذکر است که جنبه عمومی داشتن قانون عفو الزام مطلق ندارد چه در اینصورت با اصل حاکمیت قانون وفق نمیدهد بنا بر این مکررات بطور استثنائی شخص یا اشخاص مخصوص هم موضوع

یک مسئله دیگر در کمیته تخفیف مورد نظر آن عبارت از اینست که تخفیف یکدرجه مجازات در صورتیکه نوع آنرا هم تغییر دهد ممکن است یا خیر ؟ مثلاً میتوان حبس مجرد را که دارای جنبه جنائی است بحبس تأدیبی که جنبه است تبدیل نمود ؟

بعضی ها بر این نظر اند که در قانون فقط اجازه یکدرجه تخفیف ذکر است بدون آنکه تبدیل نوع مجازات از آن استنباط شود بنا بر این مجازات جنائی قابل تبدیل بجنبه نیست - ولی اکثریت علماء و همان اصل تغییر قانون بتفع متهم و هم چنین اوضاع و احوال و کیفیات مؤثره در وضع قانون عفو و مخصوصاً توجه باینکه عفو پادشاهی برای تبدیل مجازات و ترحم به مجرم و ترحم بیرحمی که در باه او شده تبدیل نوع مجازات بلا - اشکال است

در آثار عفو

عفو پادشاهی فقط نسبت بیک نفر یا چند نفر بخصوص و راجع بجرم اصلی آنها در قسمت مجازات مؤثر است و لذا اثرات دیگر محکومیت از قبیل درج آن در سجل جزائی شخص و بحساب آمدن آن در مورد تملیق یا تکرار جرم بجای خود باقی است همینطور آثار تبعی محکومیت بشرحیکه دیدیم از بین نمیرود در صورتیکه عفو پادشاهی شامل بیش از یک نفر باشد باید نام هر یک در فرمان عفو ذکر گردد تا با عفو عمومی اشتباه نشود و مسوا اینگونه عفو در اعیاد بزرگ ملی صورت میگیرد هم چنانچه عفو عمومی در موقع رفع حوادث سیاسی و بر روی عوامل اجتماعی پیش نیاید .

قانون عفو واقع شوند لکن قانونگذار همیشه اصل کلی بودن قوانین را رعایت میکند را اگر هم بخواید افراد محدودی را از آن بهره مند سازد یا بوسیله غیر مستقیم فوق پرداخته شرایط و خصوصیات معینی در قانون ذکر میکند و یا آنکه اصولاً تشخیص قابلیت افراد در بهره مندی از قانون عفو را بعهده دولت میگذارد باین طریق دولت میتواند فقط همان اشخاصی را که در وضع قانون منظور نظر بوده اند مورد عفو قرار دهد .

رویه فوق انتقاد مهمی را که بعضی از علماء بر قانون عفو وارد و میگفتند عفو ممکن است شامل اشخاص نالایق و خطرناک هم بشود چنانچه میگوید چه قانون عفو و اگر خیلی هم دارای جنبه عمومی و مطلق باشد ناچار نمیتواند بطور انحصار بهمان اشخاصیکه قانونگذار نظر داشته تعلق گیرد بلکه بسیاری از مجرمین خطرناک هم که بکلی از علل و موجبات محرکه در وقوع جرم مورد عفو بیگانه بوده و فقط در اثر خبث طینت و فساد اخلاق و عادت داشتن بارتکاب جرم فاعل آن گشته اند از قانون عفو عمومی استفاده میکنند و حال آنکه هم قانونگذار نظری به عفو این قبیل مجرمین نداشته و هم جامعه از این سوء استفاده زیان بسیار می بیند .

همین دلیل است که در سالهای اخیر در وضع قانون عفو همیشه یکی از دوشق فوق رعایت شده یا خصوصیات و شرایط بهره مندی از قانون بطور تفصیل و از روی دقت در آن قیاس میشود و یا اختیار تشخیص و انتخاب مجرمین شایسته عفو بدولت واگذار میشود .

۳ - عفو عمومی بیشتر در جرائم سیاسی و نظامی پیش آمده و در جرائم عادی کمتر مورد توسل واقع می شود .

علت آنهم واضح است چه جرائم عادی اصطکاک مستقیم با اخلاق عمومی و رشد اجتماعی و نظام هر محیط متضمن دارد بنا بر این معاف کردن این قبیل مجرمین از مجازات بکلی مخالف اصول مسلمه و عوامل مؤثره در

تربیت جامعه است . برخلاف جرائم سیاسی و نظامی ارتباط خاصی با عناصر فوق نداشته و بیشتر هم در مواقع فوق العاده و ایامی که جامعه بحال عادی خود نیست پیش آمد می کند . بدیهی است وقایعی که در این حال رخ میدهد ناشی از روش سیاسی و عقاید عمومی است نه از عوامل اخلاقی و تربیتی بهین جهت معافیت این نوع مجرمین دارای خطراتی که در باره مجرمین عادی متصور است نمی باشد .

گاه هم عفو عمومی در جرائمی که جنبه مالی دارند یعنی آنها که موضوع در آمد دولت باشد وضع میشود چه در اینحال مصالح و مقتضیات (۱) اجتماعی کاملاً از روم آنرا ایجاب میکنند .

۴ - بعضی اوقات هم عفو عمومی برای جبران اشتباهات قضائی پیش میاید مثل آنکه جماعتی بر اثر وجود ادله ظاهری و سماعت مخصوص که در تحصیل آن ادله بر علیه آنها شده محکوم شوند .

(۱) این موضوع بیشتر در اوان وضع مالیات و عوارض جدید - خاصه اگر سنگین باشد - صدق پیدا میکند چه در ابتدای وضع مالیات تازه افراد که عادت بپرداخت آن ندارند از این پیش آمد خشمگین میشوند گناه و مخصوصاً در دهستان و آنجاها که کمتر با اصول شهری و فلسفه وضع مالیات آشنائی دارند این مسئله ایجاد هیجان و غضب و بلکه مقاومت با قوای عمومی و بالنتیجه جرائم مخصوص میکند که بدیهی است دولت آنهم در ارایه امر نفعی در دامن زدن آتش و تحریک مقاومت مردم ندارد بلکه برخلاف باید رفته رفته و بتدریج گوش مردم را بادای تکلیف جدید آشنا کند در اینحال چون عدم تعقیب مجرمین موجب کاسته شدن از اقتدار و اهمیت دولت است و تعقیب آنها هم مخالف با مصالح و مقتضیات اوست اینست که بیشتر جنبه مسالمت آمیز را پیش گرفته و بوسیله وضع قانون عفو هر دو منظور را تأمین میکنند .